

## آشنایی با کتاب «الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة»

آیت‌الله اسماعیلی و علی حسن‌نیا

الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة، آیت‌الله جعفر سبحانی، قم: موسسه امام صادق(ع)، چاپ اول ۱۳۷۷.

کتاب «الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة» تألیف استاد آیت‌الله جعفر سبحانی، تحقیقی موضوعی پیرامون بعضی از احادیث چهل تن از صحابه معروف بر مبنای قرآن، حدیث، عقل، اجماع و عقل است.

در رده‌بندی کتابها در کتابخانه ملی این کتاب بارده (۴ح، ۲س، ۱۱۱/۶، BP) و موضوع احادیث ضعیف مشخص شده است.

این کتاب یک مجلد است و در ۷۲۵ صفحه و به زبان عربی تألیف شده است. کتاب دارای یک مقدمه، دو بخش اصلی محتوایی و یک بخش فهرس است. در

بخش اصلی کتاب چهل تن از صحابی معروف به ترتیب سال وفاتشان نامبرده شده‌اند و برخی از احادیث ایشان مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. همچنین فهرست الفبایی صحابه نیز در بخش فهرس آمده است. نویسنده از ۱۲۸ منبع که عمدتاً منابع اهل تسنن است استفاده کرده است.

آیت الله سبحانی در مقدمه این کتاب یادآور می‌شود که همه احادیث صحابه قابل قبول نیست مگر اینکه با معیارهای قرآن، سنت متواتر، عقل، اجماع و تاریخ صحیح مخالف نباشد.

در ابتدای کتاب، حدیثی از رسول خدا ﷺ و نیز حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خصوص اهمیت نشر احادیث و تفقه در آنها یعنی درایه و فهم حدیث بیان شده است. در انتهای کتاب نیز مطلبی از ابوحنیفه که نشانگر عرضه حدیث بر کتاب خداست نقل شده است که این نکته را گوشزد می‌کند که هر آنچه مخالف کتاب خداست از پیامبر اسلام ﷺ نیست.

در بخش فهرس سه فهرست شامل فهرس المصادر، فهرس الصحابه (هر دو به ترتیب الفبایی) و فهرس المحتویات (در دو بخش) آورده شده است.

## شیوه تألیف کتاب

آیت الله سبحانی در مقدمه کتاب، ضرورت و شیوه کار خود را توضیح می‌دهد. در بخش اول پس از بحث‌های مقدماتی، ابزارهای شناخت احادیث صحیح از سقیم را بیان می‌کند و در واقع یک دوره ملاک‌های نقد حدیث و جریان تاریخی نقد و ضبط و کتابت حدیث را ذکر می‌کند. در بخش دوم با ابزارهایی که معرفی شده، تعدادی از احادیث منقول را از چهل صحابی نامدار و مشهور رسول گرامی اسلام ﷺ ارزیابی و دلایل ضعف و قوت آنها را بازگو می‌کند.

شیوه کار ایشان در مورد صحابه اینگونه است که چهل تن از صحابه را به ترتیب سال وفاتشان آورده و احادیث هر صحابی را در دو بخش «احادیثه السقیمه» و «من روائع احادیثه» ذکر می‌کند. در بخش «احادیثه السقیمه» ابتدا چند حدیث مشهور را

که راوی مورد نظر (صحابی) نقل کرده، بیان می‌کند و سپس به بسط و شرح و نقد آنها می‌پردازد. در بخش «من روائع احادیثه» هم چند حدیث مشهور را که از مرویات آن صحابی و از نظر نویسندگان صحیح است، آورده شده است. منابعی که ایشان استفاده کرده، بیشتر از منابع اهل سنت است تا حرف‌ها و نقدهایی که بر اهل سنت وارد می‌کند بر اساس گفته‌های خودشان باشد. همچنین استفاده از اقوال دیگر صحابه در مورد احادیث را نیز از جمله شیوه‌های نقد حدیث قرار داده است.

## اهداف تألیف کتاب

نویسنده پیش از ورود به محتوای اصلی کتاب در پیشگفتاری، هدف خویش را از تألیف کتاب و چگونگی انجام آن بیان می‌کند. از آن جمله می‌نویسد که محدثین در شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح و حق از باطل دوروش را وضع کرده‌اند. روش اول، بررسی اسناد حدیث و روش دوم، تطبیق حدیث با معیارهای نقد از نظر محتوایی است. این معیارها عبارتند از: کتاب خدا، سنت متواتر یا مستفیض، عقل سالم، اجماع و اتفاق مسلمین و تاریخ صحیح. اگر حدیثی با این پنج معیار مطابقت کند (مخالف نباشد) آن را می‌پذیریم. و گرنه آن را طرد می‌کنیم، اگر چه سند آن درست باشد.

نویسنده در ادامه می‌گوید: «از آنجایی که محدثین بیشتر به روش اول همت می‌گمارند، لذا من سعی دارم تا به حول الهی و مدد وی راه دوم را در پیش گیرم و روایات چهل تن از صحابی معروف را نقد محتوایی کنم. ان شاء الله این روش فتح بابی شود برای دیگران... من قصد ندارم که عیب روایتی را به گردن صحابی یا تابعی که از وی نقل کرده بیندازم، بلکه صرفاً بر این تکیه دارم که حدیث صحیح است یا خیر... ما ادعای استیفای کامل بحث را نداریم و امیدواریم فتح بابی برای دیگر پژوهشگران در این عرصه باشد.»

# معرفی فصل‌های مختلف کتاب

## فصل اول: روایت شناسی

در این فصل به ضرورت نقد حدیث و ملاک‌های آن پرداخته شده است. این فصل دارای شش بخش است.

### بخش اول: جایگاه سنت نبوی

### بخش دوم: اهتمام رسول الله ﷺ به تدوین حدیث

در حالی که مشهور است به عللی حضرت رسول اکرم ﷺ علاقه‌ای به کتابت و تدوین حدیث نداشته و آن را منع کرده‌اند، لکن از رفتار و گفته‌های آن حضرت در موارد مختلف، اهتمام ایشان نسبت به این امر آشکار می‌شود.

### بخش سوم: منع شرعی از کتابت حدیث

در این بخش نویسنده با اشاره به بعضی احادیث که در منع کتابت حدیث وارد شده مدعی است که نمی‌شود به این احادیث استناد و اعتماد کرد. از آن جمله احادیث ابو سعید خدری، ابو هریره و زید بن ثابت را برمی‌شمرد.

### بخش چهارم: علل منع کتابت بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ

علمای اهل سنت در جواب این سؤال که «چرا علیرغم اینکه پیامبر ﷺ نسبت به کتابت حدیث و نوشتن آن، هم خود اهتمام داشتند و هم دیگران را بدان سفارش می‌کردند، باز هم کتابت حدیث در یک زمانی منع شد» دلایل مختلفی ارائه کرده‌اند.

یکی از آن دلایل، ترس از اختلاط بین قرآن و حدیث است. نویسندگان این دلیل را رد می‌کنند و می‌گویند که چگونه قرآن که اسلوبش با حدیث متفاوت بوده و از بلاغت خاصی برخوردار است، به طوری که خداوند می‌فرماید اگر جن و انس جمع شوند نمی‌توانند مثل آن را بیاورند ممکن است با حدیث خلط شود؟

دلیل دیگری که بیان می‌کنند این است که ممکن بود اشتغال به حدیث مانع از اشتغال به قرآن شود. آیت‌الله سبحانی این استدلال را هم مردود دانسته و می‌نویسد

که اگر چنین چیزی بود، پس در مورد سایر علوم نسبت به قرآن هم باید چنین مشکلی پیش می‌آمد.

دلیل سوم آنها این است که در آن زمان تعداد کسانی که خواندن و نوشتن بلد بودند کم بود. در جواب این مطلب مؤلف می‌گوید که اگر به خاطر کمبود افراد باسواد کتابت حدیث ممکن نبود پس تدوین قرآن نیز به طور اولی مشکل می‌نمود. دلیل چهارم منع تدوین به خاطر مسائل سیاسی است. آیت الله سبحانی در این مورد نیز می‌نویسد چگونه ممکن است که علیرغم اهمیت فوق العاده‌ای که پیامبر برای تدوین حدیث قائل بود، عده‌ای از اصحاب ایشان مدعی شوند که پیامبر از تدوین حدیث منع کرده است. علاوه بر این، عمل دیگر صحابه مثل امیر المؤمنین علی علیه السلام منافی کار خلفاست.

### بخش پنجم: بازشناسی (پاکسازی) سنت نبوی

نویسنده در این بخش به ضرورت نقد حدیث می‌پردازد که این امر مقدمه‌ای برای ورود به بحث اصلی بخش اول (ملاک‌های نقد حدیث) است. این بخش در حقیقت در پی پاسخ به این پرسش است که اگر سنت نبوی و سخن پیامبر وحی الهی است پس چه نیازی به نقد احادیث داریم؟ نویسنده در پاسخ به این سؤال چند علت را ذکر می‌کند:

- ۱- رواج کذب به رسول خدا صلی الله علیه و آله؛
- ۲- دشمنی و کینه‌توزی اخبار و رهبانین؛ طاعات فری
- ۳- تجارت با حدیث؛
- ۴- جعل حدیث برای پیروزی در درگیریهای مذهبی.

از دلایل دیگری که ایشان برای وضع حدیث برمی‌شمرد، مخالفت بعضی از فرقه‌ها (مثل زنادقه) با دین خدا، اعتماد به سخنان صحابه و نسبت دادن همه گفته‌های آنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله، مقلوب کردن یا کم و زیاد کردن اسناد (عمداً یا سهواً) و عدم اهتمام ناقدین به نقد محتوایی و پرداختن به نقد سند حدیث است. پیامد این کار این شد که هر سخن گزافی با یک سند قابل قبول از سوی جاعلین وارد

حوزه حدیث شود. اینها مجموعاً دلایلی است که ضرورت نقد حدیث را آشکار می‌کند.

### **بخش ششم: ملاکهای نقد حدیث**

در این بخش نویسنده برای نقد محتوایی حدیث چند ملاک را نام می‌برد. قرآن، سنت متواتر، عقل سالم، اجماع و تاریخ صحیح از جمله ملاک‌های نقد محتوایی حدیث معرفی شده است.

### **فصل دوم: راوی‌شناسی**

همانطور که قبلاً گفته شد، نویسنده در این بخش چهار تن از صحابه را به ترتیب سال وفاتشان نام برده است و برخی از احادیث آنها را نقد و در آخر هم چند روایت مقبول از آن صحابی را نقل می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی